

۲۳۶
مجموعه رسائل

اصل نشا



ذکر کتب و کتب
کتابخانه



بسم الرحمن الرحيم

بعد اقرار و اعتراف بچ و قهر از بام فرید و کفر کذاریش و ستایش و نیایش
خداوند در جمیع اصوات و آوازها شمع صفا بلکه عطر آویسد و بهین جهت محقق
آوراند و ہم نامند بطلعی که آید در این کائنات برین بنده در گاه اعدیت
موقوف بسم الله خدا احمد لله چه از بد و فتن بد و فتن جفا و وفا
علم یا ضرر و خوف و خواہش مستوداع و درینو لایب تکلیف دلش و غلبه
که از پیشگاه الطاف کانی که جاہم جہا حلم و عظم علم بحر سخا شہر جہاد امان و ایما
را بر آید و الجند حسب سلم اللہ ذاتہ و دام اقبالہ بہ ترتیب و ترتیب خد و مقرر
را کمال مامور گردید بعد حاجت پیش از او را و محاسبہ و تقیم و دہرہ کا چرخ
اوضاع صور را کافرت نمود و خطبہ و خانہ بہ تمام ربیبہ

خواست و رفیع خند و در حقان و اصل و فروغ این فنیه که بر در آید و الی جهت از حق
 تحفه محقق شده است چنانچه در مقدم این امر بلا حظه و در ساله با خندله از مصفا
 و جدید و در این فنیه میسر آید و درخت در حقان و امر اجا و اوفا و مسک و کرده
 بهر راک و در هر یک از آنها اختلاف کلی یافت تا حد هر چیز از هر جاف
 باستمال عالیه حال با فراتر انتخاب نمود با موعنا و از وقت و هنر جمع نمود
 به ترتیب این نسخه برداشت و با اسم اصل غنا که تعلیم و فنی از عالم
 تصفیه هم میدید و موعنا خست امید از ناظر این او را و آلت در اگر بهر لایم
 خلق انسانی و واقف شدند با صلاح کوشند یا به پود و عا و غیر را در حق
 این عا و در این ندانند و محض و محجوب که این مختصر است در هر فنیه است و غیره
 و در علمیه از اصول و مایه در هر تالیف است با علم در مد آواز و تالیف
 اصول با هم و ضبط است از ما و اوفا و سکنا که بطریق خاص در خارج از این
 نباشد و در مختصر است در این ساله به باب مایه در موعنا و تعلیم
 در این ساله

و اما باین فواصل اصوات را در هفت سبب بعین خود مقرر نمودیم که هر یک
نسبت به دیگری به ترتیب بیست و یک مرتبه که هر صد و یک مرتبه از یک حیوانات یا
ضربت نباتات و جمادات بر میخیزد و خارج از این هفت مقرر نمود و اینها را
باسم خاص موسوم ساخته و هر یک که در کتب و کلام و حکم
و حکم و دینی و دنیا با نام و کلام را با بطلان و تخریب گویند
پس در اینجا جهت اختصار تذکار هر یک از این اسم یکبار سر
بفایده این مکررند و هر یک در دو کلام و دو کلام و دو کلام
چند هفت در چند سبب خوانند و مجموعه این هفت سبب را سنگ گویند بعضی از
کلام نامگذاری سنگ اول تمام شود و از اینجا تا چهارم در صد و یک مرتبه آواز بلند
عمل سنگ یکیم بعد بعضی از سبب هفت نام خوانند و سبب باز نام است و در صد
سبب سنگ بود و عباد الفاسق نام هر قدر در مکرر با نام یکبار در سبب
بلند آواز نهد بر سنگ امانت داده مکرر و نواختن مثل این و غیره
سازد مکرر آن خدای سنگ چهارم را نواختن است و اینها را در صد و یک مرتبه

و در کلام باید که کلام عبارت از قرار کلام بر یک و هر کلام
از شش بار است و وضع بود که هر یک مضع هر یک باشد یعنی اول
و سیم و هشتم و نهم هر یک کلام است و وضع هر جنس است که اگر کلام مندر است
کلام اول قرار دهند و سیم مندر است و کلام دوم است و سیم مندر است
و سیم باشد و اگر کلام است و کلام اول اعتبار است و سیم
مندر است و کلام دوم است و سیم است و سیم است و سیم است
و همچنین هر شش بار هر کلام اول اعتبار است و سیم است و سیم است
و سیم است و سیم است و سیم است و سیم است و سیم است
او در او و در او و در او و در او و در او و در او و در او و در او
در میان سرت باید دانست که سرت عبارت از میل سرت
از کلام اعتبار خود یعنی سرت که اعتبار حق خود فایم باشد از آنکه سرت
و هر یک سرت که بود و میل اینها خلاصه است و هر یک سرت
که در این فصل است و در هر یک سرت که بود و هر یک سرت که بود

تفاوت بسیار است و سر مقتدر است در نا و فیکه سر نقطه حقیقی خود قائم
و ظاهر نده است سر آنست و بهر که ظاهر هر سر بود و تعداد مجموع است
است و کم است در نسبت هر یک از سرهای مختلف بود یعنی
که هم و مدیم و نجم چهار سر است و اندر یک است و در هر سر است و
کنده کار و کنده کار در تفصیل اسباب از جدول فلفلم خود نوشت

که هم	رکب کنده کار	مدیم	نجم	ریت	نکته
دین	بنا	سوهنج	کوتلا	ربکا	کبت
+					
ابت	توبینا	سوهنج	کوتلا	ترکا	لبا
+					
دودیر	یربنا	+	شوکلا	سرکا	پرچتا
					به رنگی
مدینا	+	+	کنظلا	ترپکا	+
					به رنگی

فصل چهارم در بیان حقیقت مورچینا مورچینا عبارت است از او و او

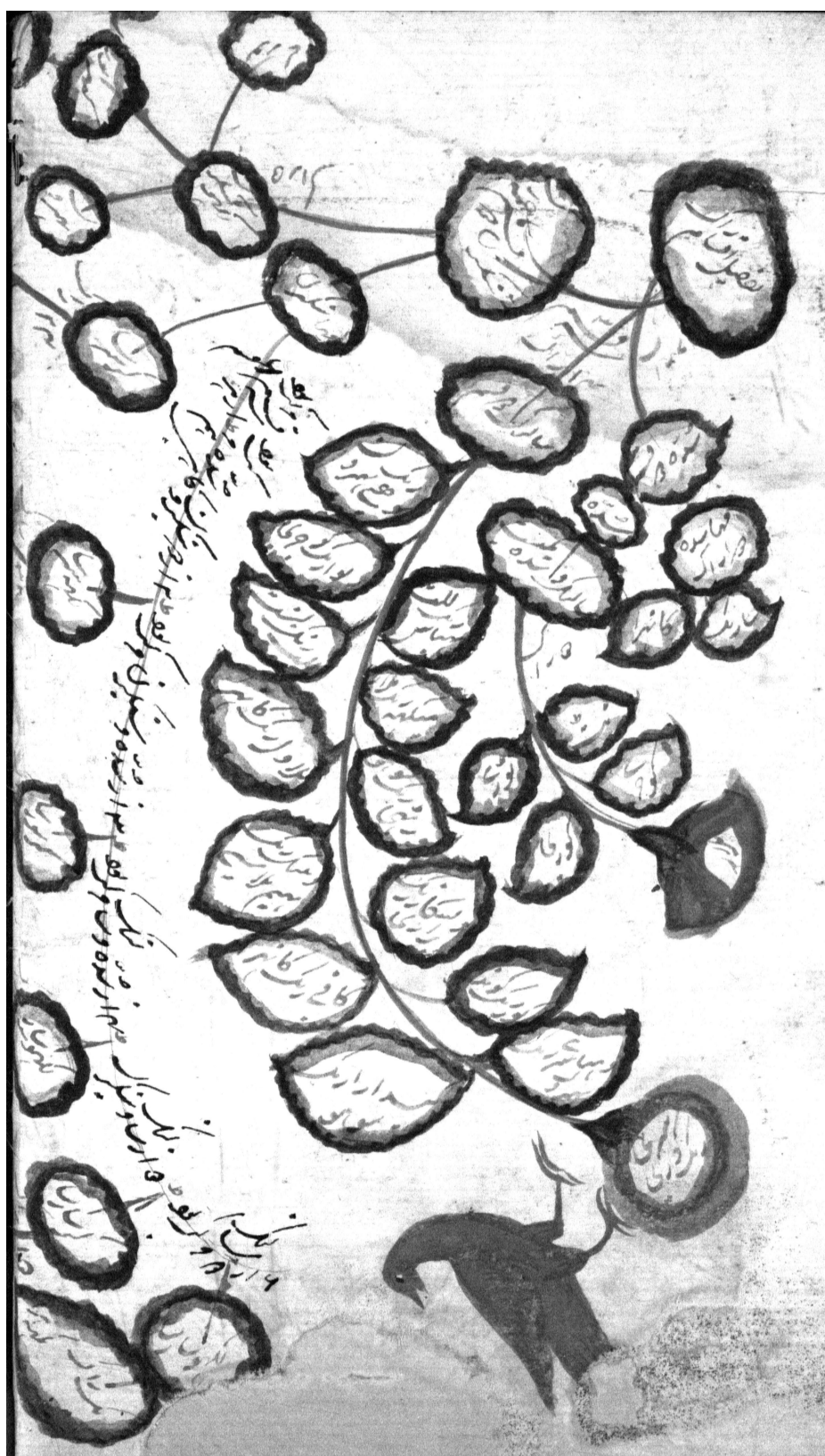
که هفت رتبه داشته باشد بالا برود و فرود بیاید خلاصه به ترتیب عجیب
 سر رکب می رسد و آن ده پیم که در میان
 غیر تم می بیند و انجمن با پنج سر که در میان ده م و غیره در میان
 و صرف و کرد این مورجهها که در هر یک می شود به ترکیب مختلفه صورتها
 متعدد برینجه و بعضی آنها را محدود و محصور نمود و شمارش را به هر چهار
 که در رتبه اند و اصول این مورجهها بمقتضای تعداد هر یک باشد
 که بلند آواز نهاده بر یک نیت یک با هم نیت هر یک با
 سه سه بود و جهات هفت در هر یک است و یک و اسامی
 ازین جدول معلوم شود

کرم	رکب	کشته	مهم	مهم	دهوت	نکته
آمودنی	در کها	آندیر	بشرایسته	کوی	آودانی	کجا
رتبونی	سنگرا	بر لای	کامنیر	رملی	بهاری	سنگوجی
بروینی	سین	الای	ارامته	جینی	بستارنی	کودی

در هفت راک و پنج فصل است فصل اول در ماهیت راکها
باید دانست که کمال افعال بر خلاف کمال کمالات حاکم خواص هر کمال و اینها
بر خلاف سنجیدگی است و کمال خوب و شکر مخالف خاصیت خانه
همچنین افراد هم با هم متفاوتند راک که با ایدنه نیز خوب با هم ترکیب شده
بطریق که خارج از نسبتها با تغییر یافته کیفیت و خاصیت علیحدگی پیدا
و آنرا راک گویند که بفارسی مقام بود چنان استیفا تمام نموده
صورتها ترکیب لرزید کثرت نامکمل الإحصاست و اما با این فرق
یکصد و بیست و شش صورت را انتخاب کرده هر یک را با هم خاص معلوم
ساخته تا با استعمال لرزید خوانندگان آسان گردد و در فصل دوم
در بیان ترکیب و تقسیم راکها و لفظها که اقسام راکها با استقرار و استیفا
تمام و کمال منحصر نه در قسم و لرزیده شده در هم سالتک بهم
شکرت و شده نیز در قسم که میباشند و لرزیده شده

تعلو داشته باشد چه بوجه کوه و شب و چه بطریق انحراف جانبی
در رنگ و کانهها و بهیچ مقام غیر از اینها شده نیست هر چه
او نیز بهیچ نوعی دارد و لا بعضی شش بکشت با بکشت کمر
که از جائز دیگر آمده نوشته در این مقام مخلوط شود و لکن الله اعلم
و این قسم را سرب رنگ نیز گویند چنانچه شده نوار و کوه و
سنگ است که مقامش از سایه راک و دیگر رنگ داشته باشد
همچو سرب راک که رنگ کور بر دانه و سنگین نیز بهر قسم است
که لکه سنگین و لکه است هر از چه دانه و کب بود چنانچه هر که
از توری و کانهها ترکیب یافته است هر چه سنگین و لکه است
که لکه سرب و لکه از شده و سنگ و کب بود چنانچه
اشکال از کانهها و سرب تر ترکیب یافته هر چه کور و از
و سنگین منترج باشد مثل سرب و از توری و باز منقط
سبب لکه سرب که از سنگ است نه بود و لکه سرب

بکلمه سرست که از سر برآید و دنیا سر بر وجود شده است
 چنانکه سر است که ایجا دل از سنانک و سکران بهو جانیه طلق
 که از دنیا سر بر وجه سر بر مخلوق است بحم اللهم سر از سر
 و کاهه سر شده هم تالیف مایه بچونیم که از بند دل و بست
 خلقت یافته سر که سر که از هر قسم وجود یافته با
 چو بند دل که از لیل و لای و لالت و بهیر و مکتب بود گفت
 منقل از شیخ محمد





فصل پنجم در بیان ترتیب هرگز آنکه سرخیل دیگر را همانکه باید دانست که ازین بگذرد و درین
 مقام که بعضی را مذکور در پیشتر را گویند قرار دهم که درین کتاب از آنجمله سر کرده میشود و باقی
 باینها مثل را و فرزند او خدایه را و گویند و هر یک از اینها ماسویع و زور و و قنبر و صول
 و خاصه ماسو ساحتی حتی تفصیل از حد و اول آئید و لغت خود و جدول از جدول است
 هرگز آنکه که سرخیل دیگر را که در این کتاب انداخته

اصحای موسم لایم صورت جنت و اوقات امتزاجات ترکیات

پیش از	اهمیت	کله	جهاو	چند	کله	کله	از نور و کانها	سپور
مالک و	سکر	برها	نواب	چند	چند	از یکا سراسر	از کوسک و مالوا	سپور
سند و	بنت	شبه	بشی	از روز	چند	همه روز و شب	از سلا و و لایق	سور
و دیگر	کریم	چاره	اکثر	چند	شام	شام تمام	زنگ بهیم	سند
کله	ما و سکر	خشمه	اندر	از لایق	همه روز	زنگ لایق	سند	سند
سند	سند	جند	چند	چند	چند	چند	سند	سند

باید دانست بر رای که از هفت سر ترکیب یافته است آنرا سپهر خوانند
و لکن از شش سر ترکیب آنرا کهها و گویند و لکن از پنج سر ترکیب آنرا کهها
و گویند و کمتر از پنج سر ترکیب را یک مکرر نیست
فصل ششم در بیان گروه بند و تفصیل ذات و ادوات و امتزاجها
هر یک از این را که با توابع و ملحقات بنامد لکن هر رای که از این شش سر را
سبب ترن بغیر راکنی دانند و هر شش راکنی را که با یک مکرر
هفت سکه یعنی خدمتکار دانند و این هفت نیز راکنی نامند و نیز
هر رای که شش فرزند و یک کها یعنی خدمتکار رسمه و اهل پس
هر رای که شش زن و هفت سکه و یک کها مع خود شش است
و یک سکه میسند بهر دستور چون خواهر شش را که سه
با خود شش جمع کنند تا یکصد و بیست و بیست و هفت نفی باشد
از این جدول ملاحظه و مویدا کرد و تفصیل را بر این است

[illegible]

اسامی اوقات و اقامت ترکیبات

مالکوسراک	ارکین سیرنا	سینور	لکمه سر	از مالکوسراک
نور	کدیر روزبر	سینور	سده	
ماجنه	بعد هر شب	آد	کر سر	از کدیر روزبر
لغت	از یک نیمه	کد	لکمه سر	از مالکوسراک
یکم	در ماس	آد	لکمه سر	از نور
کوب	یکم	سینور	کر سر	از کوج
کوب	وقت	سینور	سده	
کوب	در هر روز	کد	چسده	
سیام	یکم	سینور	لکمه سر	از سیام
شهر	چهارم	سینور	کر سر	از سیام
ایلا	مشم	سینور	کر سر	از کدیر
کوب	بعد هر روز	سینور	لکمه سر	از کدیر
یلا	همه روز	سینور	کر سر	از یلا
چرا	روز	سینور	کر سر	از چرا
کند	یکم	سینور	کر سر	از نور
چهارم	چهارم	کد	لکمه سر	از چهارم
سده	اول	سینور	لکمه سر	از سده
بیمه	اول	سینور	لکمه سر	از بیمه
کد	اول	سینور	کر سر	از کد
ساز	همه روز	آد	کر سر	از ساز
ایم	همه شب	آد	لکمه سر	از ایم

در هر روز و در هر شب و در هر وقت و در هر مکان و در هر حال و در هر امر و در هر کس و در هر چیز و در هر وقت و در هر مکان و در هر حال و در هر امر و در هر کس و در هر چیز

اسامی	اوقات	نواست	اقام	ترکیبات
بند اول	همه روز	سجده	کر سر	از بجا آوردن و گفت و بگو
راحتی	صبح العبا	سجده	کر سر	از ریه و کوجر
در این	همه روز	سجده	کر سر	از ملا و کاهن و سینه
بست چندی	همه روز	سجده	کر سر	+
لغت	چهار صاف	سجده	کر سر	رنگ سینه و دانه
بها کر	بعد یکس	آو	کر سر	از ناله و بیدار
بلاول	بعد طلوع مهر	آو	کر سر	رنگ کاهن و دانه
بسته	همه روز و شب	آو	کر سر	از جنبه و بسته
زول	همه روز	آو	کر سر	از بکار و دانه و دانه
بوریا	آخر روز	سجده	کر سر	از اجزای و دانه
بوریا	یک سر و روز	سجده	کر سر	از کور و کوجر
بوریا	همه روز	آو	کر سر	از سر و دانه
بوریا	بعد هر روز	آو	کر سر	از سر و دانه
بوریا	در هر روز	آو	کر سر	از سر و دانه
بوریا	آخر روز	سجده	کر سر	از سر و دانه
بوریا	همه روز	آو	کر سر	از سر و دانه
بوریا	بعد هر روز	آو	کر سر	از سر و دانه
بوریا	اول روز	سجده	کر سر	از سر و دانه
بوریا	همه روز	سجده	کر سر	از سر و دانه
بوریا	اول روز	سجده	کر سر	از سر و دانه
بوریا	تا یکس	سجده	کر سر	+

روز یکشنبه	شام تمام	سحر	ساعت	زنگ بهم ملاحت ده
روز دوشنبه	بغداد تا سحر	سحر	کرور	از کور و کشت را
روز سه شنبه	بعد از هر روز	او	سده	از بلاول و کونده
روز چهارشنبه	همه روز	سحر	کرور	زنگ کانها را
روز پنجشنبه	همه روز	سحر	ساعت	زنگ سوخو
روز شنبه	بعد از هر شب	کلی	ساعت	+
روز یکشنبه	همه روز	سحر	کرور	از زمین سحر و کور را
روز دوشنبه	همه روز	سحر	للهه شکر	از طرار و کانها
روز سه شنبه	در کبریا باغ ماه	سحر	ساعت	زنگ لفت ده
روز چهارشنبه	علا الفج	او	کرور	از سحر و کور و کونده
روز پنجشنبه	آفتاب	او	کرور	از سحر و کور و کونده
روز شنبه	بدین سحر برادر	او	کرور	از نور و نخل
روز یکشنبه	بدین سحر روز	او	کرور	از نور و دینا
روز دوشنبه	سحر کبریا	او	کرور	از نور و کور و کونده
روز سه شنبه	بدین سحر	سحر	کرور	از امیر و کور
روز چهارشنبه	بدین سحر	سحر	کرور	از کیدار و کونده
روز پنجشنبه	چهار کبریا	کلی	للهه سحر	از حبیب سحر و کونده
روز شنبه	از چهار کبریا	کلی	للهه سحر	از کامود و کونده
روز یکشنبه	از نام سحر	او	للهه سحر	از سحر و کونده
روز دوشنبه	اول سحر	سحر	کرور	از سحر و کونده

اسامی	اوقات	ذات	اقام	ترکیبات
مکملہ ایک	ہمہ روز و ب	سکون	سالمک	رنگ ملاز دالہ
تینک	آج روز	اُوڑ	کر بر	از سر بر و پسر و کانہرا
ور ہر	ہر ماس	اُوڑ	سالمک	رنگ موہو دالہ
کوچر	طلوع آفتاب	سکون	شدہ	+
ہومار	چهار کمرے کدہ	اُوڑ	کر سار	از کلین و ہزارول
طہار	ہمہ روز و ب	اُوڑ	شدہ	+
دلیکار	کس روز ہر	اُوڑ	سالمک	رنگ ہزار
نٹ و ملاز	ہمہ روز و ب	سکون	لکھہ سر	از نٹ و ملاز
دلیہ نوڑ	کدکس روز	سکون	کو سور	از دلے و نوڑ
ور ماس اور	کدکس روز	اُوڑ	لکھہ سر	از نور ماو و ہنہرا
سیام زاری	ہر ماس روز	اُوڑ	کو سور	از سیام و ہزار
نور ماوڑ	ہر ماس روز	سکون	کو سور	از نور ماو و نوڑ
جت سر	ہمہ روز	کدکس	کر سار	از ہنہرا و سنکر اہر
مکھیل	ہمہ سر	کدکس	لکھہ سر	از مار و ورجہا
کورا	ہمہ روز	اُوڑ	سالمک	رنگ کور دالہ
بخت	بعد ماس روز	سکون	لکھہ سنکر	از سارنگ و ملاز
ناٹ	ہمہ روز	سکون	کر بر	از کانہرا و نور ہنہرا
اڑانا	کدکس سر	سکون	لکھہ سور	از ہنہرا و شدہ
سلا	اول سب	اُوڑ	لکھہ سور	از لکھہ ارا و کانہرا
سارنگ	کدکس ماس	اُوڑ	لکھہ سور	رنگ کدکس و دالہ
سارنگ	ہمہ ماس	کدکس	کر بر	+

خود میگردانند و به جهت رانندگی میگردانند. در این صورت که در جهت رانندگی میگردانند و به جهت رانندگی میگردانند.

اسامی	اوقات	ذات	اقسام	ترکبات
خمر تراک	یک سر روز با قریب	سکون	ساک	زنگ کور دال
مالک رب	یک سر روز با قریب	سکون	کورس	از دهن بر و بهر
کوفت	یک سر روز با قریب	آو	آو	*
نار و	بدر ماسک	کها	کها	*
سنت	همه روز و ب	سکون	کورس	از لکت و برادر
دین	یک سر روز	آو	ساک	رنگ بهر دنی دال
سور	مالک سر روز	سکون	کورس	از سحر و نور و طار
سنگ	همه روز	آو	لکبه سر	از لیل و روز و نون
بر	همه روز	آو	کورس	از دیو و جح و کفک
کله	همه روز	آو	لکبه سر	از سر و دهن و سر
سخت	همه روز و ب	کها	کورس	از جنب و ر و ن و ن
کوند طار	همه روز و ب	کها	کورس	از کوند و طار
خوشت	یک سر روز	آو	کورس	از کله و کور و بر و تراک
بهر و بخت	شام اول	آو	کورس	از کور و بخت و شام و ترا
حرم	چهار کس و ن	کها	لکبه سر	از بهر و دل و بخت
کامود	اول	کها	کورس	از کانه و کامود و ن
کوند	همه روز و ب	سکون	لکبه سر	از دیو و کور و کوند
کامود	همه روز	کها	لکبه سر	از کامود و ن
بکیر	همه	سکون	لکبه سر	از کانه و دهن و نون
دو یا کانه	همه	آو	لکبه سر	از دیو و کانه
سایم	آو	آو	لکبه سر	از سایم و دال

فصل ششم در بیان صور را که واضح باشد که هر یک از این را که در آنست و در تصور
بصور این خاص و وضع مخصوص تو هم نمودن آنند یعنی این را بصورت گشته
و دیگر را بطور متماثل و همچنین را بهلوا و دیگر را بهسبب و اکثر را
در شغل بحث و مابین این است و شداید مثل لکه در یکجا جمیع مثل
به که هر یک هم نامزد و نیاز و اشتبا و جاری دیگر زمر در روزها و ساز
علیه هذا القیاس هر یک از اینها را بصورت مختلفه و اوضاع جداگانه چنانکه
مگر در بر آور و تفکیک و اوقات متبینه هر یک را از تصویر بمواد مورد
نمودار سازد و این رقم منوشت را حلقه مودف و مشهور که بهر آن
موسم کند و بیشتر در نظر بر اختصار نمودن فقط بر تصویر هر شئی را
و نه راکنی که مجمله هر شئی و شئی با آنکه فاسد و اینها را بمنزله اصول
میدانند و مابقی را فروغ اینها و اینها بود و این صورت با لفظ بنام
و اوقات را که هم نسبت ندانند که در یکجا بیشتر که در لفظ ظاهر این فرشته
ظاهر البقا و طبع و کافیه با با بهای عالم الخیب بهم نموده در از لفظ

تا حال تسلل رخسار است چو ترکیب کرده بند بر و وضع صورت
 اوقات هر یک بحسب اختلاف سالهاست چنانچه در جاه مختلف و متنوع
 و در هیچ جا در تحقیق صدق و اطلاق از دیگران دلیل بدست نیاید
 ناچار هر چه فریب باستمال و اخبار زان حال یافت درین مختصر
 درج نمود **باب دوم** در بیان حقیقت نال و لطمه فصل اول
 در نال که آنرا بفارسی اصول گویند عبارتست از ضبط از ما
 امتداد حرکات و سکات اصوات هر یک را ضربت در ضرب باید
 شک هر دم دست هر سخته بطوریکه اوقافا فاصله ضربتها مکن
 باید مگر برابر باشد و یک ضرب را از انجمله لایزال تمام و در معین دانند
 که بر آن ضرب مقدار و زدنش انجام پذیرد و باز فی حاکم گویند
 و در مختصر است در چهار قسم در تحت هر یک از اینها انواع بسیار
 اول **قسم نال** **قسم بلغم نال** **قسم ایت نال** **قسم نال**
 و این در قسم آخر است در نوار برستعل و متعارف است و از در قسم اول

در آرد نوع را که مشهور اند است و بسته به استعمال در معانی و فج
نیز در اقسام هم آرد و گاهی در کتابها قدیم نوشته تعلیم کمال دانند
که دانسته اند که در بعضی بسیار کم اند چنانچه بعضی از آنها را مثل رودر
و لخمیر نام نهاده با استعمال در معانی اینها را ترک نمودند به بیان
در آرد نام معروفه می نامند و آنرا در ادب نام و لخمیر نام
که بفرست یک نام منواتره در نزد فاصله اش می باشد و در بعضی
در روایت نام در از من فصل در در ضرب در برابر و در هر یک
و لخمیر در در نام بفرست در معانی و در نام سیم که از اضرو
ابراد می کنند برن می نمایند و در نام و لخمیر است
به نیم تفاوت بفرست در معانی و در نام سیم لخمیر بر باشد
هم لخمیر نام و لخمیر است نام بفرست در معانی
بر و در آید و ختم بر آنهم بر سیم بود تیور نام در بعضی
سه نام در بر نام می باشد لخمیر نام بر بود تیور نام و لخمیر

سه تاله ست لایک تال او اول بفریب و بعد از این
 هر تال و الحاق هر پیش بر تال میانه باشد ششم درت برام تال
 و آهیم سه تاله ست که هر تال اولش متواتر و سوم به تفاوت
 بفریب در مرتبه و هر یک یکبار شود و این را سور فاخته میزنند
 هم صحبت است و هر حواله بود که اول یک تال و بعد از این
 سه تاله متواتر بفریب آید و بر ششم ابر تال که بحباب چهارم
 اینها درن بعد ششم راجع بر تال یک بفریب حواله بوار که اول
 بر و بفریب در آید و هر تال دیگر متواتر و بر اول آخر
 در حساب ششم باشد خارج تمام شود و باز ششم درت شصت تال
 و هر منز حواله باشد که اول هر مانند تفاوت و آخر تفاوت
 بفریب آید و بر ششم هر تمام شود و از دهم بر ششم تال
 و هر از جهود و تیوس و صحبت است و چهار نوعه است این نظام
 سوار این را که تال متعارف است

در بیان اقسام سازها و آلات چهار قسم اول نتر و آلات که سازها
نواخته شود مثل بن و رباب و تنبور و قانو و سنار و بجز
دویم نتر بعضی نغمه در پوست گرفته باشد مثل بکها و جم و دهم و یک
و در د و نقار و غیا سیم که نغمه از چوب و فلزات و غیا
سازند و از ضرب و وصل و دوتا آواز دهد مثل تنبیره و جها نغمه
و گفته اند که چهارم سکه که از آب نفس نوازند همچو ستر و گنار
و بانتر و غیره پوشیده میباشد که ترتیب بعضی را که ستر و بانتر و زرق
مقصود را که مالا که آئینه ملاحظه در مرتبه خلاف ترتیب که در مرتبه
ابر رساله است و ابر اختلاف در نظم ماطر المحول فصور مباد زیر آن
ترتیب ادراک مالا مطابق یک ندرت و ابر رساله از حلا
انتخاب رساله جات مذاهب مختلفه متبک شنه و العلم
بالصواب الحمد لله کثر المثلث که رساله عبارت در محلا حسی
پذیرفت اسم از عقل از درج رساله در مقول جمیع سیم کرد

و ذریعہ دعی خبری نیست بخدا که مفقود افتد از این همه جمل کاویها

غیر از هر شیء
الامکان

بعینه همین نام را گفتند

خود سال ختم اصول غدا را

اول در قلوب و در اندک وقت در محراب و در راه
بجز کار نهند
رنگ از لعل قلوب بعد از هر جنبه و هر جنبه
در کزانت الوهاب

عشاق و زاهد حین است چو راست ۴۴ در پرده بوسلیک دریا و در نو است
 کشته بزرگ در صفایان ۴۵ اقر ۴۴ نکلوه حجاز و کجک اندر بر است
 این در از ده پرده اصل است آنچه از این منشعب میشوند از این بر ششم میگویند بلکه
 همه محققان کثرت او از را از رو و دریا و در یافت هر هفت وجهی آنها کرده
 که بدو این هر هفت شکل بطل دیگر ممکن است چه از این حیوانات و از ضربت
 و جهادات همین هر هفت آواز خارج میشود و از این هفت نام نهاده اند
 که هر چه که از اسرار سر ۱ رکیب ۲ کشته ۳ مدغم ۴ پنجیم
 ۵ و هجوت ۶ کلمه و شکل او از این هفت حرف بند مقرر کرده
 هفت حرف بهار چه بعین زوجه سه بار مقرر قرار داده اند این است
 سر رک م ب پ ده و بنیاد مسی که متعارفه از کسی نه گفته
 از پنجمت سر را ما و رو پدر را که مقرر کرده اند چنانچه هر یک از که هر است و
 مالکوس از رکیب و سر از کشته ۴ و سر از مدغم و سر از هجوت
 و سر از پنجم و سر از ده که از و هم را که پیدا میشود و سر از

از زرب ناف تا دماغ سه رک طولانیست سر بر بالا بیکر است
الاجانب چپ و بیکر جانب راست و سبک در میان سر از سر رکبها
وزرب ناف که محل شروع سرست تا ده که محل ادای سرست پنج منزل قرار طلع
زرب ناف سینه کلو دماغ و دهن و درین پنج منزل سه درجه معر کرده
سه تنگ نام نهاده اند سه بگویند هفت را یک مراد از مفاتیح
که اند اما اینها هفت سرست اول از زرب ناف تا سینه که درین سه
هفت سر هفت مقام دارد و ادای سبک و مندر است گویند
و دیم از سینه تا کوا بر استیک حرم و مدینه است گویند و سیم از دماغ
تا دهن بر استیک سیم و مندر است گویند و محل ادای بر استیک
و این بر است استهار بعضی که بر است و مندر است است و مندر است
و بعضی از بر است استهار کرام قرار طلع او را و مندر او را نامند
لیکن کلام غریب است و چنانچه در سر است و نواختن در ساز سوار این سه درجه
بنده است او را منهد و زینت اینها بدین سه سبک استقامت داده اند والا

هر قدر آواز بلند تواند شد سبک میتواند شد نفس سبک ایرت

منه اسهت	مه اسهت	نار اسهت
سرک م پ ده پ	سرک م پ ده پ	سرک م پ ده پ

بیا مقام سه که در بد کدام سر از کدام جا پیدا میشود هر چه از زیر ما
و بقول بعضی از سر و — از ناس که یعنی برده یعنی بقول از بعضی بالبر ناس
و ناس از هر سه ند یعنی ناس و دماغ و بقول بعضی حمار باضه و دم
از هر دو یعنی سینه از ناس یعنی کلو و دیوت از سهال یعنی ناس
و بقول بعضی دهن و ناس از ناس یعنی از ناس قبل حلقوم باشد و بقول
بعضی کلو و دهن یعنی ناس که از آواز جانور ناس است و ناس
که هر چه آواز که بغیر و بقول بعضی از ناس یعنی سینه از ناس یعنی ناس
و ناس از آواز که یعنی قبل و بقول بعضی ناس یعنی ناس و ناس از ناس
یعنی ناس و ناس از ناس یعنی ناس و ناس از ناس یعنی ناس

بقول بعضی اولک بمعنی یوم نجم از کاک بمعنی زاع و بقول بعضی از کوکل بمعنی عقد
و هیئت از یک بمعنی طایوس و بقول بعضی از سر بمعنی اسب تکلم و از تنک بمعنی
خوک و بقول بعضی قبل از تنک کرام بمعنی کرام بمعنی دست هر بنی موضع جمع است
سرا و مقام قیام مورچان است و کرام است که هر کرام مدح کرام
کنند از کرام و سراند کرام که هر کرام است زیرا که جمع را کہا در وجه میگوید
تخلاف در کلام دیگر چه که را کہا که در سر مدح میسر کنند و رجب و کرام
در هر کرام نخواهد شد و در هر کرام سرها بنا قرار است که موی رشد و در کرام
هم سرها باشد لیکن بنا ترتیب نباشد چنانچه در مدح میسر کنند فمیکند در کرام
که میروند نجم و کلام در سر است خواهد بود و باقی سر فمیکند در کرام
بحال خواهد ماند و در کلام سر است شده سر خواهد بود و مدح و نجم و کرام
و در هیئت و کلام علی التوبه سر است و کلام و کلام در چهار سر است
چنانچه بمعنی در تحت اسب سرها نیز در سر است در مدح بمعنی لاکه یا سر
بقول خود است

شش راکنه لفته اند پیر و زوجه و بسم مدی و سکما و سکما نشانه نموده اند و
بکروه بند نیز اختلاف بسیار است و بید راک راکنه راک فرار دانه
در اکثر یک راکنه دیگر فرار داده اند بوجوب رساله بنویسند بهر دو
سکال فرار راکنه راکنه مقدر است به اسم مرطوط
راکنر با هر راکنه مدد مادی و غیره و بنویسند و بنویسند و بنویسند
راکنر با هر راکنه بنویسند و بنویسند و بنویسند و بنویسند
راکنر با هر راکنه بنویسند و بنویسند و بنویسند و بنویسند
راکنر با هر راکنه بنویسند و بنویسند و بنویسند و بنویسند
راکنر با هر راکنه بنویسند و بنویسند و بنویسند و بنویسند
راکنر با هر راکنه بنویسند و بنویسند و بنویسند و بنویسند
بوجوب رساله هر راکنه فرار راکنه بنویسند و بنویسند و بنویسند
مقرر شده اسامی و در راکنه راکنه و راکنه و راکنه و راکنه
راکنر با هر راکنه بنویسند و بنویسند و بنویسند و بنویسند

از آنکه اسم شش در چهارجه و شش سکه که جوهریست بجز دفعه از سکهها هستند
 و یک سکه که زوجه سکهها می باشد در جمله فیراک است و یک سکه می شود
 و در ششراک یکصد و بیست و سه سکه می شود و موجب دلیل است
 روار یعنی خاندان پیرد ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}
 چهارجا ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}
 مدائن ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}
 مدائن ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}
 سکه ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}
 است ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}
 روار مالکوس ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}
 چهارجا ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}

سکندر ^{۱۲} شام ^{۱۱} تور ^{۱۰} سکندر ^۹ لیا ^۸ لیا ^۷ لیا ^۶ لیا ^۵ لیا ^۴ لیا ^۳ لیا ^۲ لیا ^۱ لیا

نمر ^{۱۲} نمر ^{۱۱} نمر ^{۱۰} نمر ^۹ نمر ^۸ نمر ^۷ نمر ^۶ نمر ^۵ نمر ^۴ نمر ^۳ نمر ^۲ نمر ^۱ نمر

روا ^{۱۲} روا ^{۱۱} روا ^{۱۰} روا ^۹ روا ^۸ روا ^۷ روا ^۶ روا ^۵ روا ^۴ روا ^۳ روا ^۲ روا ^۱ روا

سکندر ^{۱۲} سکندر ^{۱۱} سکندر ^{۱۰} سکندر ^۹ سکندر ^۸ سکندر ^۷ سکندر ^۶ سکندر ^۵ سکندر ^۴ سکندر ^۳ سکندر ^۲ سکندر ^۱ سکندر

سکندر ^{۱۲} سکندر ^{۱۱} سکندر ^{۱۰} سکندر ^۹ سکندر ^۸ سکندر ^۷ سکندر ^۶ سکندر ^۵ سکندر ^۴ سکندر ^۳ سکندر ^۲ سکندر ^۱ سکندر

سکندر ^{۱۲} سکندر ^{۱۱} سکندر ^{۱۰} سکندر ^۹ سکندر ^۸ سکندر ^۷ سکندر ^۶ سکندر ^۵ سکندر ^۴ سکندر ^۳ سکندر ^۲ سکندر ^۱ سکندر

۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

[illegible]

[illegible]

۳
مذکور اک صورت بش ذات سنکرت او طایفه کلمه کلمت رت پست

ابام ہفہ سے تھک شینے ہوئے درویش خاصیت کا مدیون رہتا تھا

وینک راک صورت انزلیشن ذات سائک اوچت لوک کدرت

کر کرم ایام هفت چهارشنبه بخشنه وقت خامس کلاه مدعی عطر دهند طوطی

سید اک صورت اندر ذالک اندک اوطاف اندر نوک کہت رت باوالم

ہفتہ بخشدہ بخشش و قیام روز و شب خاص کہ در آن روز و شب

سر زاک صورت کلانیه ذات النک او طاجند لول که بر سر و ایام جمعه

خوشنیت یکبار روز با قرص صیت بر آیدند یعنی غمروندند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سند پور مارو و دہن سیر ط م ل م ط س ل م ط ک ت ط م ن و ر

بسم راک که هر یک در نوع اند                  

شماره دوم و سوم ط ۲ سنگ دوم و سوم ط ۳ سنگ دوم و سوم ط ۴

سہ۔ آفت کہ اور ایسے وجہ از مقام دیگر تخلیق شد

[illegible]

سورسا سارسا للہویرا کورسورسا سورسا للہویرا

سید کورداست انداز

کورد سورا لکھوسرا کورد سورا اور دریا سورا و نوح از علی بابا

چهار اسطر خط و دو کرم و یک مستقیم است

آنت کہ آرسہ و سائک و کب ارانا و غی بہوج پل

از آن از آن و ...

(Faint handwritten notes)

که در سور است که شده و سنگین و کم بود و موجب ذیل

از هر یک از اینها یک عدد از یک تا ده

و با طوطی که از کوه طوطی کوه طوطی از کوه طوطی

از دست راست و دست چپ و دست وسط و دست چپ و دست چپ

از - و راک ط

1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9, 10, 11, 12, 13, 14, 15, 16, 17, 18, 19, 20, 21, 22, 23, 24, 25, 26, 27, 28, 29, 30, 31, 32, 33, 34, 35, 36, 37, 38, 39, 40, 41, 42, 43, 44, 45, 46, 47, 48, 49, 50, 51, 52, 53, 54, 55, 56, 57, 58, 59, 60, 61, 62, 63, 64, 65, 66, 67, 68, 69, 70, 71, 72, 73, 74, 75, 76, 77, 78, 79, 80, 81, 82, 83, 84, 85, 86, 87, 88, 89, 90, 91, 92, 93, 94, 95, 96, 97, 98, 99, 100, 101, 102, 103, 104, 105, 106, 107, 108, 109, 110, 111, 112, 113, 114, 115, 116, 117, 118, 119, 120, 121, 122, 123, 124, 125, 126, 127, 128, 129, 130, 131, 132, 133, 134, 135, 136, 137, 138, 139, 140, 141, 142, 143, 144, 145, 146, 147, 148, 149, 150, 151, 152, 153, 154, 155, 156, 157, 158, 159, 160, 161, 162, 163, 164, 165, 166, 167, 168, 169, 170, 171, 172, 173, 174, 175, 176, 177, 178, 179, 180, 181, 182, 183, 184, 185, 186, 187, 188, 189, 190, 191, 192, 193, 194, 195, 196, 197, 198, 199, 200, 201, 202, 203, 204, 205, 206, 207, 208, 209, 210, 211, 212, 213, 214, 215, 216, 217, 218, 219, 220, 221, 222, 223, 224, 225, 226, 227, 228, 229, 230, 231, 232, 233, 234, 235, 236, 237, 238, 239, 240, 241, 242, 243, 244, 245, 246, 247, 248, 249, 250, 251, 252, 253, 254, 255, 256, 257, 258, 259, 260, 261, 262, 263, 264, 265, 266, 267, 268, 269, 270, 271, 272, 273, 274, 275, 276, 277, 278, 279, 280, 281, 282, 283, 284, 285, 286, 287, 288, 289, 290, 291, 292, 293, 294, 295, 296, 297, 298, 299, 300, 301, 302, 303, 304, 305, 306, 307, 308, 309, 310, 311, 312, 313, 314, 315, 316, 317, 318, 319, 320, 321, 322, 323, 324, 325, 326, 327, 328, 329, 330, 331, 332, 333, 334, 335, 336, 337, 338, 339, 340, 341, 342, 343, 344, 345, 346, 347, 348, 349, 350, 351, 352, 353, 354, 355, 356, 357, 358, 359, 360, 361, 362, 363, 364, 365, 366, 367, 368, 369, 370, 371, 372, 373, 374, 375, 376, 377, 378, 379, 380, 381, 382, 383, 384, 385, 386, 387, 388, 389, 390, 391, 392, 393, 394, 395, 396, 397, 398, 399, 400, 401, 402, 403, 404, 405, 406, 407, 408, 409, 410, 411, 412, 413, 414, 415, 416, 417, 418, 419, 420, 421, 422, 423, 424, 425, 426, 427, 428, 429, 430, 431, 432, 433, 434, 435, 436, 437, 438, 439, 440, 441, 442, 443, 444, 445, 446, 447, 448, 449, 450, 451, 452, 453, 454, 455, 456, 457, 458, 459, 460, 461, 462, 463, 464, 465, 466, 467, 468, 469, 470, 471, 472, 473, 474, 475, 476, 477, 478, 479, 480, 481, 482, 483, 484, 485, 486, 487, 488, 489, 490, 491, 492, 493, 494, 495, 496, 497, 498, 499, 500, 501, 502, 503, 504, 505, 506, 507, 508, 509, 510, 511, 512, 513, 514, 515, 516, 517, 518, 519, 520, 521, 522, 523, 524, 525, 526, 527, 528, 529, 530, 531, 532, 533, 534, 535, 536, 537, 538, 539, 540, 541, 542, 543, 544, 545, 546, 547, 548, 549, 550, 551, 552, 553, 554, 555, 556, 557, 558, 559, 560, 561, 562, 563, 564, 565, 566, 567, 568, 569, 570, 571, 572, 573, 574, 575, 576, 577, 578, 579, 580, 581, 582, 583, 584, 585, 586, 587, 588, 589, 590, 591, 592, 593, 594, 595, 596, 597, 598, 599, 600, 601, 602, 603, 604, 605, 606, 607, 608, 609, 610, 611, 612, 613, 614, 615, 616, 617, 618, 619, 620, 621, 622, 623, 624, 625, 626, 627, 628, 629, 630, 631, 632, 633, 634, 635, 636, 637, 638, 639, 640, 641, 642, 643, 644, 645, 646, 647, 648, 649, 650, 651, 652, 653, 654, 655, 656, 657, 658, 659, 660, 661, 662, 663, 664, 665, 666, 667, 668, 669, 670, 671, 672, 673, 674, 675, 676, 677, 678, 679, 680, 681, 682, 683, 684, 685, 686, 687, 688, 689, 690, 691, 692, 693, 694, 695, 696, 697, 698, 699, 700, 701, 702, 703, 704, 705, 706, 707, 708, 709, 710, 711, 712, 713, 714, 715, 716, 717, 718, 719, 720, 721, 722, 723, 724, 725, 726, 727, 728, 729, 730, 731, 732, 733, 734, 735, 736, 737, 738, 739, 740, 741, 742, 743, 744, 745, 746, 747, 748, 749, 750, 751, 752, 753, 754, 755, 756, 757, 758, 759, 760, 761, 762, 763, 764, 765, 766, 767, 768, 769, 770, 771, 772, 773, 774, 775, 776, 777, 778, 779, 780, 781, 782, 783, 784, 785, 786, 787, 788, 789, 790, 791, 792, 793, 794, 795, 796, 797, 798, 799, 800, 801, 802, 803, 804, 805, 806, 807, 808, 809, 810, 811, 812, 813, 814, 815, 816, 817, 818, 819, 820, 821, 822, 823, 824, 825, 826, 827, 828, 829, 830, 831, 832, 833, 834, 835, 836, 837, 838, 839, 840, 84

اینکه از این و کد را طوطی طوطی طوطی از کد او کد
بنا که از کد و کد را طوطی طوطی طوطی از کد او کد
کودیک از کد و کد را طوطی طوطی طوطی از کد او کد
پوریا و از کد و کد را طوطی طوطی طوطی از کد او کد
حس از کد و کد را طوطی طوطی طوطی از کد او کد
پوریا از کد و کد را طوطی طوطی طوطی از کد او کد
قسم دوم سورت و نوع یک سورت دوم سورت
اول لکھوسورت بداند هر راک که از سالت کب باشد لکھوسورت
و لکھوسورت صرف کرد یک اسم بگیر نام که از سورت راک و هنام سورت
نوع دوم کرد سورت و سورت از کد که از سالت کب باشد سورت
کد از کد و کد را طوطی طوطی طوطی از کد او کد
و کد از کد و کد را طوطی طوطی طوطی از کد او کد

[illegible]

شام رام از راکب و شام طوطی و شام مور از سند و سند
 بنجای از بر و و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی
 حبت طوطی از و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی
 کامود طوطی از و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی
 اقبال از و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی
 همانا از و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی
 حبت از و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی
 کامودنا از و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی
 سونیا از و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی
 بستن از و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی و طوطی
 دوم بهر راک که از سر و راک باشد با سه راک
 و چهار راک یا پنج راک مکتب باشد از اگر و سارا کونید و سارا کونید و سارا کونید

۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

بوجب ذیل بیان نموده مراد بوجب رساله ناکبت مارچانک بتفصل چهار باشت روز

را که در باب اول روز باید خواند

بهر روز هفتاد و پنج مرتبه ^۱ کوچه ^۲ و ^۳ و ^۴ و ^۵ و ^۶ و ^۷ و ^۸ و ^۹ و ^{۱۰} و ^{۱۱} و ^{۱۲} و ^{۱۳} و ^{۱۴} و ^{۱۵} و ^{۱۶} و ^{۱۷} و ^{۱۸} و ^{۱۹} و ^{۲۰} و ^{۲۱} و ^{۲۲} و ^{۲۳} و ^{۲۴} و ^{۲۵} و ^{۲۶} و ^{۲۷} و ^{۲۸} و ^{۲۹} و ^{۳۰} و ^{۳۱} و ^{۳۲} و ^{۳۳} و ^{۳۴} و ^{۳۵} و ^{۳۶} و ^{۳۷} و ^{۳۸} و ^{۳۹} و ^{۴۰} و ^{۴۱} و ^{۴۲} و ^{۴۳} و ^{۴۴} و ^{۴۵} و ^{۴۶} و ^{۴۷} و ^{۴۸} و ^{۴۹} و ^{۵۰} و ^{۵۱} و ^{۵۲} و ^{۵۳} و ^{۵۴} و ^{۵۵} و ^{۵۶} و ^{۵۷} و ^{۵۸} و ^{۵۹} و ^{۶۰} و ^{۶۱} و ^{۶۲} و ^{۶۳} و ^{۶۴} و ^{۶۵} و ^{۶۶} و ^{۶۷} و ^{۶۸} و ^{۶۹} و ^{۷۰} و ^{۷۱} و ^{۷۲} و ^{۷۳} و ^{۷۴} و ^{۷۵} و ^{۷۶} و ^{۷۷} و ^{۷۸} و ^{۷۹} و ^{۸۰} و ^{۸۱} و ^{۸۲} و ^{۸۳} و ^{۸۴} و ^{۸۵} و ^{۸۶} و ^{۸۷} و ^{۸۸} و ^{۸۹} و ^{۹۰} و ^{۹۱} و ^{۹۲} و ^{۹۳} و ^{۹۴} و ^{۹۵} و ^{۹۶} و ^{۹۷} و ^{۹۸} و ^{۹۹} و ^{۱۰۰}

را که در باب دوم روز باید خواند

دو کت. کارر سقاوتی ^۱ و ^۲ و ^۳ و ^۴ و ^۵ و ^۶ و ^۷ و ^۸ و ^۹ و ^{۱۰} و ^{۱۱} و ^{۱۲} و ^{۱۳} و ^{۱۴} و ^{۱۵} و ^{۱۶} و ^{۱۷} و ^{۱۸} و ^{۱۹} و ^{۲۰} و ^{۲۱} و ^{۲۲} و ^{۲۳} و ^{۲۴} و ^{۲۵} و ^{۲۶} و ^{۲۷} و ^{۲۸} و ^{۲۹} و ^{۳۰} و ^{۳۱} و ^{۳۲} و ^{۳۳} و ^{۳۴} و ^{۳۵} و ^{۳۶} و ^{۳۷} و ^{۳۸} و ^{۳۹} و ^{۴۰} و ^{۴۱} و ^{۴۲} و ^{۴۳} و ^{۴۴} و ^{۴۵} و ^{۴۶} و ^{۴۷} و ^{۴۸} و ^{۴۹} و ^{۵۰} و ^{۵۱} و ^{۵۲} و ^{۵۳} و ^{۵۴} و ^{۵۵} و ^{۵۶} و ^{۵۷} و ^{۵۸} و ^{۵۹} و ^{۶۰} و ^{۶۱} و ^{۶۲} و ^{۶۳} و ^{۶۴} و ^{۶۵} و ^{۶۶} و ^{۶۷} و ^{۶۸} و ^{۶۹} و ^{۷۰} و ^{۷۱} و ^{۷۲} و ^{۷۳} و ^{۷۴} و ^{۷۵} و ^{۷۶} و ^{۷۷} و ^{۷۸} و ^{۷۹} و ^{۸۰} و ^{۸۱} و ^{۸۲} و ^{۸۳} و ^{۸۴} و ^{۸۵} و ^{۸۶} و ^{۸۷} و ^{۸۸} و ^{۸۹} و ^{۹۰} و ^{۹۱} و ^{۹۲} و ^{۹۳} و ^{۹۴} و ^{۹۵} و ^{۹۶} و ^{۹۷} و ^{۹۸} و ^{۹۹} و ^{۱۰۰}

را که در باب سوم روز باید خواند

هفت و بیست و یک کا نمودر ^۱ و ^۲ و ^۳ و ^۴ و ^۵ و ^۶ و ^۷ و ^۸ و ^۹ و ^{۱۰} و ^{۱۱} و ^{۱۲} و ^{۱۳} و ^{۱۴} و ^{۱۵} و ^{۱۶} و ^{۱۷} و ^{۱۸} و ^{۱۹} و ^{۲۰} و ^{۲۱} و ^{۲۲} و ^{۲۳} و ^{۲۴} و ^{۲۵} و ^{۲۶} و ^{۲۷} و ^{۲۸} و ^{۲۹} و ^{۳۰} و ^{۳۱} و ^{۳۲} و ^{۳۳} و ^{۳۴} و ^{۳۵} و ^{۳۶} و ^{۳۷} و ^{۳۸} و ^{۳۹} و ^{۴۰} و ^{۴۱} و ^{۴۲} و ^{۴۳} و ^{۴۴} و ^{۴۵} و ^{۴۶} و ^{۴۷} و ^{۴۸} و ^{۴۹} و ^{۵۰} و ^{۵۱} و ^{۵۲} و ^{۵۳} و ^{۵۴} و ^{۵۵} و ^{۵۶} و ^{۵۷} و ^{۵۸} و ^{۵۹} و ^{۶۰} و ^{۶۱} و ^{۶۲} و ^{۶۳} و ^{۶۴} و ^{۶۵} و ^{۶۶} و ^{۶۷} و ^{۶۸} و ^{۶۹} و ^{۷۰} و ^{۷۱} و ^{۷۲} و ^{۷۳} و ^{۷۴} و ^{۷۵} و ^{۷۶} و ^{۷۷} و ^{۷۸} و ^{۷۹} و ^{۸۰} و ^{۸۱} و ^{۸۲} و ^{۸۳} و ^{۸۴} و ^{۸۵} و ^{۸۶} و ^{۸۷} و ^{۸۸} و ^{۸۹} و ^{۹۰} و ^{۹۱} و ^{۹۲} و ^{۹۳} و ^{۹۴} و ^{۹۵} و ^{۹۶} و ^{۹۷} و ^{۹۸} و ^{۹۹} و ^{۱۰۰}

را که در باب چهارم روز باید خواند

یک و بیست و یک کا نمودر ^۱ و ^۲ و ^۳ و ^۴ و ^۵ و ^۶ و ^۷ و ^۸ و ^۹ و ^{۱۰} و ^{۱۱} و ^{۱۲} و ^{۱۳} و ^{۱۴} و ^{۱۵} و ^{۱۶} و ^{۱۷} و ^{۱۸} و ^{۱۹} و ^{۲۰} و ^{۲۱} و ^{۲۲} و ^{۲۳} و ^{۲۴} و ^{۲۵} و ^{۲۶} و ^{۲۷} و ^{۲۸} و ^{۲۹} و ^{۳۰} و ^{۳۱} و ^{۳۲} و ^{۳۳} و ^{۳۴} و ^{۳۵} و ^{۳۶} و ^{۳۷} و ^{۳۸} و ^{۳۹} و ^{۴۰} و ^{۴۱} و ^{۴۲} و ^{۴۳} و ^{۴۴} و ^{۴۵} و ^{۴۶} و ^{۴۷} و ^{۴۸} و ^{۴۹} و ^{۵۰} و ^{۵۱} و ^{۵۲} و ^{۵۳} و ^{۵۴} و ^{۵۵} و ^{۵۶} و ^{۵۷} و ^{۵۸} و ^{۵۹} و ^{۶۰} و ^{۶۱} و ^{۶۲} و ^{۶۳} و ^{۶۴} و ^{۶۵} و ^{۶۶} و ^{۶۷} و ^{۶۸} و ^{۶۹} و ^{۷۰} و ^{۷۱} و ^{۷۲} و ^{۷۳} و ^{۷۴} و ^{۷۵} و ^{۷۶} و ^{۷۷} و ^{۷۸} و ^{۷۹} و ^{۸۰} و ^{۸۱} و ^{۸۲} و ^{۸۳} و ^{۸۴} و ^{۸۵} و ^{۸۶} و ^{۸۷} و ^{۸۸} و ^{۸۹} و ^{۹۰} و ^{۹۱} و ^{۹۲} و ^{۹۳} و ^{۹۴} و ^{۹۵} و ^{۹۶} و ^{۹۷} و ^{۹۸} و ^{۹۹} و ^{۱۰۰}

را که اگر در اول باشد باید خواند و را که اگر در هر اوقات ارام بخرد و اگر
 کتاوی مار و طیار باشد هر یک یکبار در پنج ایام بیدار
 مالوا نذر اسیر یکبار در هر یک یکبار در پنج ایام بیدار
 یکت سنگا اسند مالور جگر و طیار در هر یک یکبار در پنج ایام بیدار
 سرور بر اسد و بر سوجو کوسا است منجر افام کور اسند
 منظر کونک کوند اقامات طیار موجب رساله مومنت
 وقت صاف و وقت
 وقت دایر روز
 وقت دایر روز
 اینهمه را که اگر از هر یک باشد باید خواند و موجب راجع الی غیر حکم را
 همه وقت همه را که را خواند موافق مادر است و در رساله مادرش
 همه وقت همه را که را خواند موافق مادر است و در رساله مادرش

وقت صاف و آفتاب را که در آن روز طلعت را کند
 که را کند وقت طلوع و بعد طلوع آفتاب بر او را کند
 وقت دو که روز غم سو که روز را کند وقت چهار که روز غم سو که
 سو که وقت بر آن را کند روز غم سو که وقت که است از جمیع تا که
 بهر روز را کند بهاس سو که کوچه بر اول بهر
 من تا بر سند هوا سو که دیو که در رحمت که در دیوار
 جو که تا بهدا اس در دیو کند بهر در بقای که
 بهر سو جان بهر سو سو که این را کند کو کا سو سو که سو که من بهر
 از یک سو تا دو سو روز سو که رسد دیو سو سو که سو که سو که
 ادو سو که از دیوار اس سو که سو که سو که سو که سو که
 سو که سو که سو که سو که سو که سو که سو که سو که سو که
 سو که سو که سو که سو که سو که سو که سو که سو که سو که
 سو که سو که سو که سو که سو که سو که سو که سو که سو که

از دو پاسر ناسته پاسر روز مالکوس کوندت سارتک امیرت
 مالکوس دهناسر بر تنک در بر بنبرس لبنت سده حاجو
 کورنات ملاز و هر سکه دینچه هر سکه هندول کیداسر سبلاس بهیم
 بوداسر دینچه حب و کب نبه مر جام حک می مرس بهر سر راک کا و جام او به
 از سیم پاسر ناچهارم پاسر پور به امیر بر سلج جبر او دپوریا کرب
 نوکورس کماو به مالکورا کانبوهر و میکاوت ناروا سنگرو جنبه
 جابیر سونک کانبوسر راک حوتبر جام و بهانبوهر
 راک وراکنه هر سبه وقت ار ملاز وقت جنگ مارو غیا باور امود
 جب او کید اسر سب کادرت ملاز ج حبس با بانوهر جدده بر حب
 حرانت کرد دینچه اونت ماروراک کامرین مهاجود هر آور هر
 از شام تا یکیشتر این حیر سیام سنگلاش سده چاهانیا
 کرب راک سن سکبه با نبر کاسرا او دپوریا شام پوریا اکتاف

کھادیر کنائز ہر کید اس سبلا س ہر رکنے کے سانچہ میں رم جام جانے کے کام ہے
 از یکا پس شب ناد و پاس شب ماسک کیدار از اور کو رانات ہم بر کسمہ تنہا
 مانچہ سورہہ سمیت عمر منہ نکل موہنہ ہر کیدار حلقہ جام پوشاک سکھہ دہی
 از دو پاس ناسیم شب کام ہر ہونا کراجر بن سمیت پلاس دہن لک مہ
 کا وقت سمر ہل سہ سو لہ والبت جب منہ ہر کید اس جو بچہ ہے
 وقت طلوع افتا صبحا کپار بہت مالاراک سا کرد و کہت ہر اور کو کسبت
 سو آوت ہر منہ لک ہر ہونا نچ نایک کو دیت اور خاتم فرخ ہر سہرہ
 منہ نس منہ جام رات نامی شام رام کاوت سکھ ہر راک اب دنا
 ہر راک وراکنے موسیٰ بجار کہ کید اس ہر بہانت ہر
 باید و انت کہ ہزار دہ ماہ راجت سے ماہ چہار رت مقرر کردہ اند و بعض
 سہرت کفہ اند موافق سہرت راموسی مقرر خاندہ

بدانکه درسم و چهار نایک اند که بعضی از حسن و خوبی خود خبر دارد و بعضی
 یعنی که از خود خبر دارد و در وجه خود یعنی بیکانه که عورت بیکانه که عورت
 باشد که عاشق بشود هر خود باشد یعنی خبر دارد و ندارد که یعنی از خود
 است یعنی منفعت و نفع

راکنسیر و همیله ناله میرا محرابی میرا نام بی سبب جا که رسالت باشد و در دنیا
 دو جا که میرا محرابی الک بر جا که الک کفر ناجات چنانی چرت تو هم کبریا
 راکنسیر و همیله ناله ایو کا هونه هوانه هو کو قادر قدرت مدویر کی و بی
 حا کو مہا عسر کسر کسو لوح قلم هوا کو جعل جنکو او ز سر بر نادر علیا منظر العجا
 تجده عونالک فمر النوا بکل هم و خم سینجی بی نو و تک یا محمد و بولایتک یا علی یا علی
 راکنسیر و همیله ناله لونا او پیار و مورا مورا لونا او سار و مورا نرس و مورا
 در که لونا سار کر لونا و بلا لونا کروالا کونی لونا مورا لونا جلی بل جلی و نانا اور و نانا
 ادر را منج کر هر و امو بی مورا میرا ناله ایلا لونا ایلا لونا ایلا لونا ایلا لونا

اوستاد کائنات که این کارخانه است ^{الهی الوالی} مقصود غنوب و چهار بهانه خست
 آنکه هر خاک مارا جل کرد خانه خست خود در میان درآمد ما را نشانه خست
 و همیشه ناله و ناله سیرافانی تو فکر گذرگاه او تهمه خاک بر سر فرماید الداسفر
 غفلت که بند سود و سودی اصل کار بود ویر ما چه کمر از دور به مبت هر خطر کار
 و همیشه ناله بالما مورانم بر اکیله نه سکا نون بر نه سکت شو بالما سونا که
 مویر و راکنه میسار نیکو ادا اوس حوا مورانم بر اکیله نه سکا نون بر
 راک بر و جلد ناله ما بر نو نمیدان نوالا کل اکلما نامور لال نکلونوم لب نمیر بکار
 راکنه هر روجه بهر راک از و نمیر نو بهم تک یک سی نمیر بکار
 سیر کونت هو یک سی بهور کبالت نمیدان راک بر سر نو نمیدان نوالا کل
 راک بر و همیشه ناله ما بر نو نمیدان نوالا کل اکلما نامور لال نکلونوم لب نمیر بکار
 هر جبر ندرک امام امیر محمد میر حضرت زیر العابدین شاه باقر و جعفر موسی کاظم
 محمد تقی علی عسکر مهدی یاد رهنما امیر محمد نمیر نوالا کل اکلما نامور لال نکلونوم لب نمیر بکار
 بر نور سکه خاویز نور و نیکو نمیدان نوالا کل اکلما نامور لال نکلونوم لب نمیر بکار

جلد کے عالم رہنا تو ہر کسیر کرنے نہ پایا پس سنگھم بننا ہمہ ہٹا نہ لکھنا ہمہ لکھا
 جسٹیا مور و کٹر لاکیر رہنا تو ہر کسیر کرنے نہ پایا پس سنگھم بننا ہمہ ہٹا نہ لکھنا ہمہ لکھا
 ونگھوہ ریر کے سچ آت بیجے چالٹ بیجے ہم سب رت مانہ کٹر کٹر کو کاج ہمہ ہوریں اوٹھیں
 خدا رنگ سوہوار و دھیمے عالمہ

انہیم سحرارام کہ ہر یار کجاست	منزل امہ عاشقش عیار کجاست
شب بارت ورہ وادیر امیر ورس	آنش طور کجاست ویدار کجاست
یک نام صابطف کو آغلا رخسار	کہ سر کبوتر و سبب تو داوہ مارا
حوما حبشہ و بادہ پیمائے	بیاد آر مجھ بادہ پیمائے
وہمہ عالمہ سانی کتو تو آکھو جس کو جہار انور	بجائے امیر ہمدانور بجائے ہمارا
و تر کئی ہم رہیج مانجھ و مارا	بجائے امیر ہمدانور بجائے ہمارا
مارا لغزہ کشت فضا را بہانہ سخت	خود بسور ماند و جہار بہانہ سخت
عاشق کئی کہ کردہ شدہ دست و پا	ایں ظفر مگر کئی کہ چنای بہانہ سخت
نہا نہ داشت ناب چال پر رخا	کچر کشت و تر سر خدا را بہانہ سخت

او سنا و کائنات کہ بر کار خاست
 مفسود و غم بود و چهار ہزار ہفت
 میلش نبود لاکہ نیند بسورج
 و سنجہ بر در گرفت و غار بہار خست
 و بولند آرمہ نیک نالہ تیر نے مجھے اٹھایا کیوں دوڑا نہیں بر سر غمناک راہچہر مانو گیا ہے
 مانند حور بہشتی کسی سن بات برابر آرمہ نیک نالہ تیر نے مجھے اٹھایا کیوں دوڑا نہیں
 نہ کہ سب کو کہتے ہیں جگہ جگہ خوشحال سرخ ضرر نہیں ان کے گوشہ سما جانے کے مانو گئے
 عہد اس رنگ دار و جلد نے نالہ جاؤ پیار و اکہہ دیونیکے تم کام کر دھکے
 ایسے دھن کو کرتے ہیں جو رہ نہیں سمجھو رہ جاؤ پیار و اکہہ دیونیکے
 جنہو نے دھیمہ نالہ ٹکسن لے مانند عرض بہلا ٹکسن لے مانند عرض بہلا نام
 و لے و اور بر او فضل و لے و امیر امینا کچھ بھڑ تو اکہہ در دھیمہ ٹکسن لے دھیمہ
 منہ امیر و حیدر او بہلا مالہ دار شایا میں سخن در سار کنز لکند سر سدا
 منہ امیر و حیدر او سکھ مناد میر امینا دار و مارا و لوندر نال کو لکند حیدر منہ امیر و حیدر
 لکند منہ نال لکے او بار مانند لکند مانو نال لکے کہو کتاب
 نوافض تو ما بچہ مع سونا در میں شعلے او سونا مانند سر

جلد نہ مالہ کہنے رحمت ہونے کو کہتے حاد و بیمار و اکینہ قبلہ نامہوی
بزرگ سود و عجات بیمار و اکینہ رحمت ہونے تک بندہ اپنے مالک و سادک
بزرگ و کورسارک کنکر جرنار و لیکروا بر تو دیونگی کار بر کار کنکر
جر بار و بند راں کے کچھ کل میں ہنس سوت حیر نار نار کنکر جرنار و
وہمیکہ مالہ ماصورت ہونڈ جہاں بود علی بود نافر ہنر ہنر بود علی بود
پورے مینا کہ ابسے ہم کا پر جو کہیں رنگ رسی بہر سار راؤ ہمار کہ
ابسے ہم کا پر جو کہیں جاؤ جرن جاؤ رہو کہ ادہنہ کے جاکے للہ کر اسے ہم
سورنگ سور و دار و مال ہوئے سورنگ و سورنگ نرد و آویم تویم تادیر
ہمچو ہمار کب نہر چمن غم خوردہ ام ہماں باغ و در کل چشم بلبل نغم خوش آلودہ ام
بہر و راک اسد بہلا موریر میں کہنہ آ آ آ ایللا موریر ماسو بل عجز
پر خچا در کر ہوا انو میں ما آ آ آ ایللا موریر جرن کے آسو اسد بہلا
اب کو کر ہوا لالہ زہم ہم سن کہنو جہاں کبلا و مکیہ ندیا کے ہج
نرد و ہست نرد کو موسیٰ نے نردیا کو نے نبوت

انکو حلیج چنم بہرہ سررا بر آستانہ خانہ بنا کر
 بہرہ تورمندروا جابر مور کیر کاوین سکھر سکھر سندرب آندہ پھلا
 سانچرنگ ہوکنز کروالا کنز اطات تورمندروا ایضا جبر پٹو یا مور ساسو
 اناسندرب کہتو جاب پٹا ہرت مور فی نر و اشتر ہٹیل نہیں وار سار پٹو

ایضا گتم تانرنا تدر دانی دیم دیم دیم دیم تانرنا
 عالم بکھانہ ویک اشناداریم ہا ایک میکو کرادار برنا داریم ہا ایضا
 تانرنا دیم تانرنا تدر دانی دیم دیم دیم تانرنا دیم تانرنا
 ایضا ایک بل جہر کہتو نہ بسر بر لال انت نہیں کہ پٹا بر ہو ایک سرو
 سنت سورس لکھا مو فر آہو سدارنگیل محمد شاہ کھر سو بندر کر ایضا اوچا کر بندہ پٹا
 پہلے کہ تومینا سانچرنا نہیں تو جاب پٹو بیکو کوادام اور سنو محمد تفعی طمہ
 حر سیر کے جہر دہرانے سررا او جائیں جائیں ایضا

مج در خواب خوش دیم جمال سا کوثر علی ابن ابی طالب امیر المومنین صدر
 ایضا جتنا کہ کوثر نہیں مشکل کن علی حیر جس کے مدد کو حیدر افغانی بلا علی حیر